



سیر خط در فرامین و احکام تاریخی

پدیدآورده (ها) : کوچکی، علیرضا
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1379 - شماره 39 و 40
از 78 تا 87

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92293>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 14/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



سیر خط در فرامین و احکام تاریخی

علیرضا کوچکی

یک زبان را با الفبای زبان دیگر می‌نوشتند، چنانکه در آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم نبشته‌ای به خط آرامی وجود دارد که مطلب آن به زبان پارسی باستان است و ... چون منشیان و نویسندگان لوح‌های تخت جمشید به خط عیلامی پیش از الفبای پارسی باستان آشنایی داشتند مطالب لوح‌ها را که به زبان پارسی باستان بوده خط عیلامی می‌نوشتند(۱).

دیگر آثار مکتوب به جای مانده از دوران هخامنشی از جمله کتیبه‌های سنگی با سه خط میخی بابلی، میخی پارسی و میخی ایلامی نوشته شده‌اند و این سه خط در حوزه قلمرو دولت هخامنشیان مرسوم بود و از این طریق بود که پژوهشگران با مقایسه خطوط ایلامی با خطوط میخی دیگر موفق به کشف و طریقه خواندن خط ایلامی گردیدند. به زودی خط آرامی که سهل‌تر از خط میخی خوانده و نوشته می‌شده جای آنرا گرفت. مرحوم بهار در کتاب سبک‌شناسی چنین توضیح می‌دهد:

«خط میخی برای نقر و نقش کتیبه‌ها بکار می‌رفته است و از برای نامه‌ها و دیگر نیازمندیهای عمومی مناسب نبوده است از این رو خط ساده و الفبای آرامی که از عهد کلدانیان در آسیای صغیر معروف بود بتدریج اهمیت پیدا کرد. البته به نسبت سهولت هر جا به خط میخی چیزی نوشته می‌شد نام صاحب خط یا اگر آن چیز ظرف سفالی یا جنس دیگر بود نام خریدار یا فروشنده را در کنار آن به خط آرامی می‌نوشتند ولی بعدها وسعت استعمال این خط به جایی رسید که در تمام قلمرو ایران و عراق و آسیای صغیر و مصر عمومیت یافت و مکاتب احکام و پادشاهان و روابط ملل و روزنامه‌های دولتی و فرمانها و نوشته‌های عادی همه با خط آرامی انجام می‌گرفت(۲)».

م. م. دیاکونوف نیز در کتاب تاریخ ایران باستان چنین نظر می‌دهد که:

تاریخچه خط در اسناد تاریخی از تاریخچه خط و خوشنویسی جدانیت و اسناد تاریخی منابع با ارزشی جهت تحقیق و پژوهش در مورد سیر خط و خوشنویسی و شیوه‌های آن در گذشته محسوب می‌شود. چه نویسندگان این اسناد، بخصوص فرامین و احکام از میان بزرگترین و سرزترین خطاطان برگزیده می‌شدند. این خوشنویسان با شهرت کاتبی در دستگاه اداری و دیوانی به شغل دبیری و منشی‌گری اشتغال داشتند و آنچه امروز در این اسناد بصورت خطوطی چشم‌نواز و زیبا نمایان است، حاصل عمر پربار این هنرمندان است.

در این مقاله تغییر و تحولات خط در اسناد تاریخی بخصوص فرامین و احکام بررسی خواهد شد.

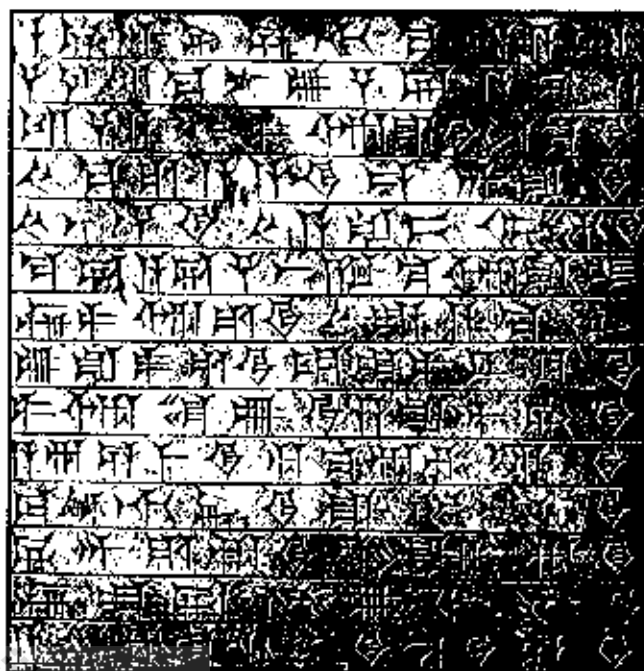
دوره ایران باستان

کهن‌ترین اسناد ما، الواح گلی کوچک و مهرهای استوانه‌ای هستند که از تمدن ایلام (عیلام) و تمدن هخامنشی بجای مانده‌اند و بیشتر آنها فرامین مالی و یادرواقع بروات (حواصی مالی) می‌باشند. این الواح و مهرها که در شوش و تخت جمشید و دیگر شهرهای باستانی پیدا شده‌اند همگی به خط میخی ایلامی نوشته شده‌اند.

انبشته‌های الواح موردنظر به خط عیلامی بود و مطلب درخور این است که مقدار زیادی از آنها به زبان پارسی باستان است که به خط عیلامی نوشته‌اند. پروفسور کامرون (داشمنند و ایران‌شناس امریکایی که در سال ۱۳۱۸ ه. ش محل اکتشافات را بازدید می‌کرد) این گونه الواح را اسنادی رمزآمیز می‌داند در صورتیکه چنین نبشته‌هایی همانند برخی آثار دیگر نوشته‌های قدیمی است که مطلب

دقیق سرودهای دینی خود و نظر به اهمیتی که به تلفظ صحیح کتاب اوستا می دادند خطی را وضع کردند که آنرا «دین دبیره» می گفتند؛ در این نوع خط هر حرف نماینده یک صدای خاص است و ۴۴ علامت داشت و از راست به چپ نوشته می شد به این خط «خط زند اوستا» نیز می گفتند. به غیر از خطوط نامبرده از خط و زبان سنسکریتی که مربوط به ناحیه سمرقند کنونی است باید نام برد. این خط نیز مأخوذ از خط آرامی است و آثاری مکتوب که به این خط نوشته شده، موجود است. در نوشته ای از ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف کاتب خوارزمی «به هفت نوع خط اشاره شده است که ایرانیان در زمان ساسانیان از آنها استفاده می کردند این خطوط عبارتند از:

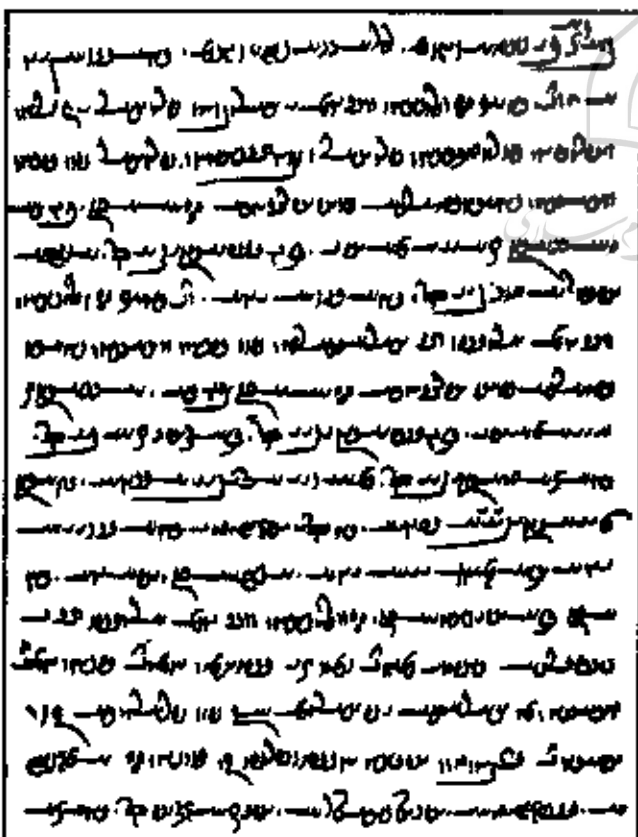
- ۱- داد دبیره: برای نوشتن فرمانها.
- ۲- شهر هماره دبیره: برای نوشتن دفترهای حسابهای شهرها.
- ۳- کده هماره دبیره: برای حسابهای دربار.
- ۴- گنج هماره دبیره: برای نوشتن دفتر خزانه.
- ۵- آهور هماره دبیره: برای نگهداری حساب آخورها.
- ۶- آتشان هماره دبیره: برای نوشتن حساب آتشکده.
- ۷- روانگان هماره دبیره: برای نوشتن حساب اوقاف (۷).



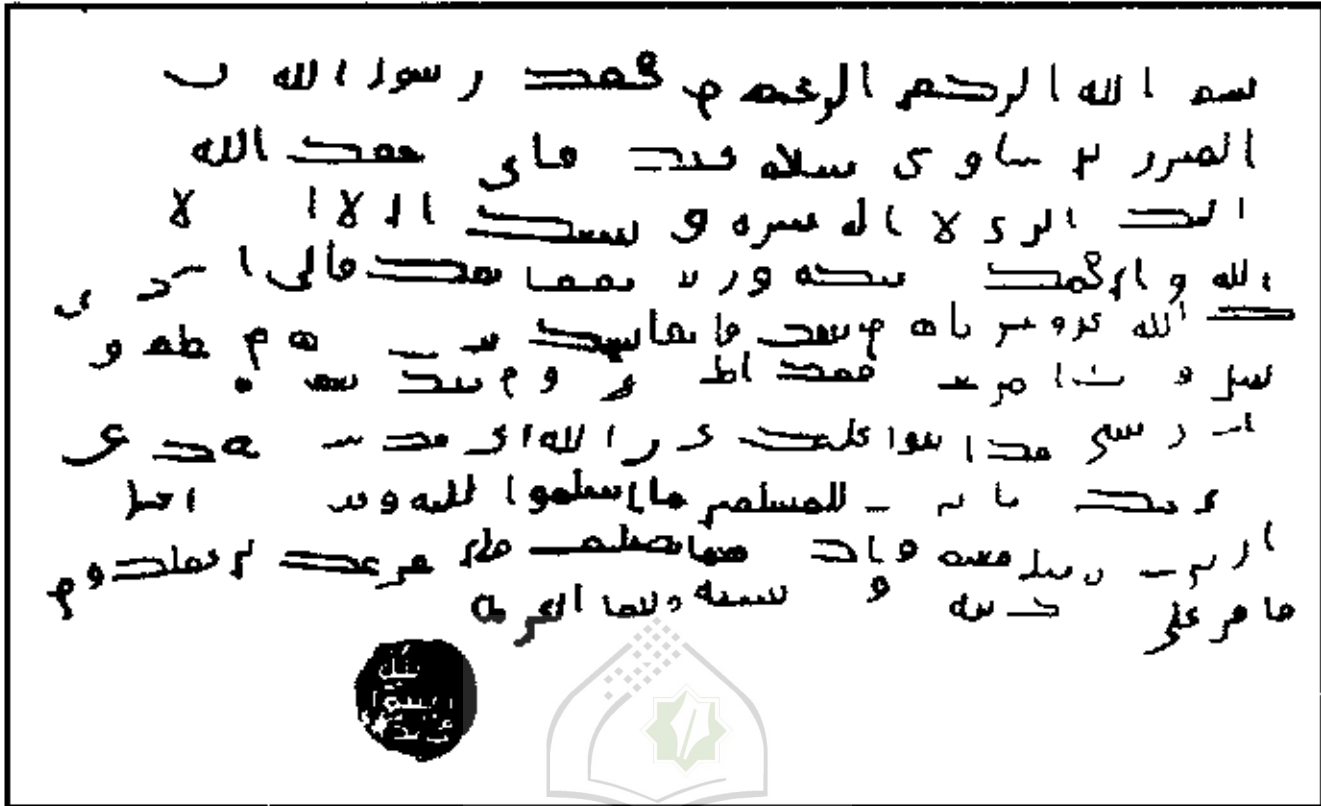
کتیبه‌های سنسکریتی از دوره ساسانیان که به خط میخی بابلی نوشته شده است

در دوره هخامنشیان زمانی که جنبه مکاتبات اداری و مناسبات بین‌المللی پیدا کرد یکی از زبانهای سامی بود که در شرق مقدم رواج زیادی حاصل کرده بود یعنی زبان آرامی و خط آرامی به شکل خط میخی نبود بلکه این خط بوسیله الفبایی نوشته می شد که ریشه فنیقی داشت و در تاریخ تمدن آسیا نقش مهمی را ایفا می نمود این خط مبدأ یک رشته از الفباهای پیشرفته در آسیاست. برای نوشتن به خط آرامی از پوست و پاپیروس و قطعات ظروف سفالی استفاده می کردند (۳).

از دوره اشکانیان بیش از ۲۵۰۰ سند و نوشته که غالباً صورت حسابها و اسناد خرید و احکام و معاملات و به اصطلاح اسناد کاربرد داری سلاطین اشکانی است در شهر تیسپا پانتخت اشکانیان (در نزدیکی عشق آباد ترکمنستان) یافت شده است که با هزوارش مخصوص پارتی نوشته شده است (۴). در واقع در دوره اشکانیان در تحریر زبان پارسی، خط آرامی مورد استفاده قرار می گرفت و هزوارشهای ریادی از لغات و حتی جملات آرامی را بکار می بردند و هنگام خواندن به همان زبان ایرانی قرائت می کردند (۵). همچنین اسنادی از این دوره به زبان و خط یونانی در اورامان کردستان و دوراوردپوس یافت شده است (۶) که نشان می دهد که از این دوره، زبان و خط یونانی، همچنان در بعضی مناطق مرسوم بوده است. به تدریج از خط آرامی، خط پهلوی اشکانی و سپس خط پهلوی ساسانی مشتق می گردد که خط و زبان رسمی دوره سلاطین ساسانی محسوب می شد و تا چند قرن پس از دوره اسلامی نیز متداول بود و آثاری به خط پهلوی نوشته می شد. ایرانیان باستان برای ضبط



شمسی از کتاب خط اوستا و زند اوستا که به شیوه «دین دبیره» نوشته شده است



صورت نامه منسوب به پیغمبر اکرم (ص) بخط عربی قدیم به مندرین ساوی امیر بحرین (منقول از کتاب مصور الخط)

به شهر مکه، خط مدنی (منسوب به مدینه) و به همین ترتیب خط بصری و خط کوفی، که از میان آنها خط کوفی بیشتر مورد قبول و شهرت قرار گرفت. خط کوفی اولیه فاقد نقطه و اعراب بود. در دوره خلافت امویان و قبطیه المصهره که از خوشنویسان بنام اموی است چهار قلم از خط کوفی پدید آورد که عبارتند از طومار، جلیل، نصف، ثلث. که از میان این خطوط خط جلیل و طومار در مکاتبات بازگانه خلافت مورد استفاده قرار می گرفت. ان ماری شعبیل در کتاب خود «خوشنویسی و فرهنگ اسلامی» در این باره چنین نوشته است: «خليفة پرهیزگار عمر دوم (عمر بن عبدالعزیز) استاد نوشته بر طومارهای بزرگ و به خط ثقیل طومار را که مورد استفاده پیشینیان او بود ضایع کردن بیت‌المال می انگاشت و به دبیران خود فرمان داد در نگارش اسناد قلمی خفیف تر (ریزتر) بکار برند (۹)....»

از چهار خط نامبرده خطوط دیگری منسحب گشتند که برخی از آنها به مرور منسوخ گردیدند. نام این خطوط برگرفته از کاربرد خاص آنها بود افلامی که در اوایل خلافت عباسیان در میان کتاب مرسوم بود عبارتند از: قلم جلیل، قلم سجلات، قلم دیباج، قلم طومار، قلم نشین، قلم زنبور، قلم مفتوح، قلم حرم، قلم موامرات، قلم عهد، قلم

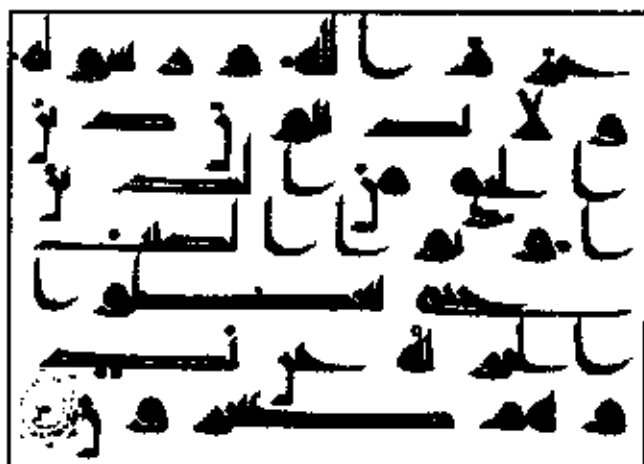
در کتاب سبک شناسی مرحوم بهار نیز آمده است (۸) که ابن الندیم (در کتاب الفهرست ص ۱۳) از قول ابن مقفع می گوید ایرانیان هفت نوع خط داشته اند: ۱- دین دفریه (دین دبیره) ۲- ویش دبیره ۳- گسج (گسنگ دبیره) ۴- نیم گسج (نیم گسنگ) دبیره ۵ شاه دبیره ۶ نام دبیره (هام دبیره) ۷- راز سهریه. و از میان آنها گسج (گسنگ) خطی بود که بدان عمود و موازین و افشاهات را می نوشتند و نقش مهرهای شاهنشاهان پارس و طراز جامه و فرش و سکه دینار و درهم بدین خط بوده و آن بیست و هشت حرف بود.

دوره اسلامی

با تصرف ایران توسط مسلمانان عرب و سقوط حکومت ساسانیان، خط عربی جایگزین خط پهنوی شد. خط عربی در عهد حضرت محمد (ص) و خلفای راشدین مراکز مهمی داشت که در هر یک از آن مراکز بنام آن شهر خوانده می شد. از جمله مکی (منسوب

نسخ نامیدند زیرا نسخ خطوط دیگر بود. آموختن و نوشتن خط جدید نسخ به مراتب سهلتر و آسانتر از خطوط کوفی، مدنی و مکی بود و از اینرو به زودی در دستگاه خلفا رواج یافت و کتاب در امور دینی از آن استفاده نمودند. این مقاله از روی خط نسخ شیوه‌های ششگانه دیگری نیز ابداع کرد و به پیروی از دوران باستان ایران به خصوص دوره ساسانیان برای هر رشته و امری، خط خاصی قرار داد بدین ترتیب که:

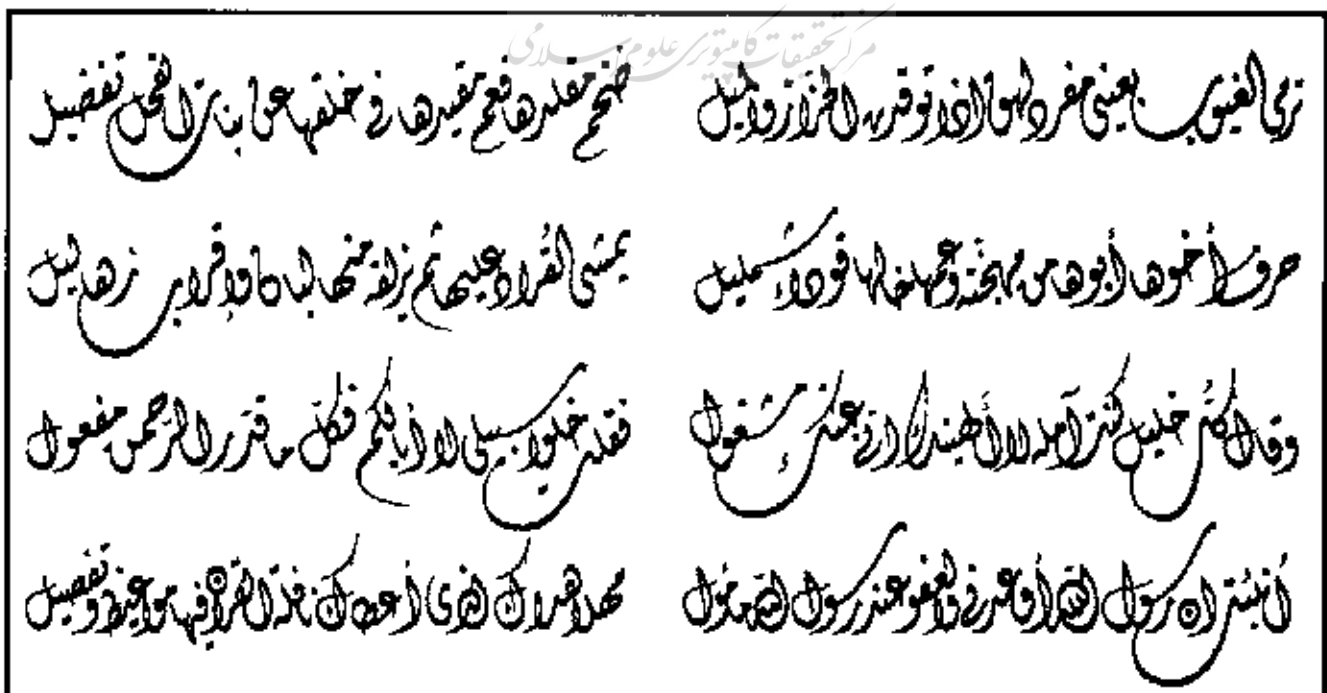
- ۱- خط ریحان برای نوشتن قرآنها و دعاها.
- ۲- خط ثلث برای تعلیم و ورزش خوشنویسی.
- ۳- خط رقاع برای نوشته‌ها و نامه‌های دیوانی.
- ۴- خط نسخ برای نوشتن تفسیر و حدیث.
- ۵- خط توقیع برای نوشتن منشور و فرمانها.
- ۶- خط نحق برای نوشتن اشعار و قصاید (۱۱).



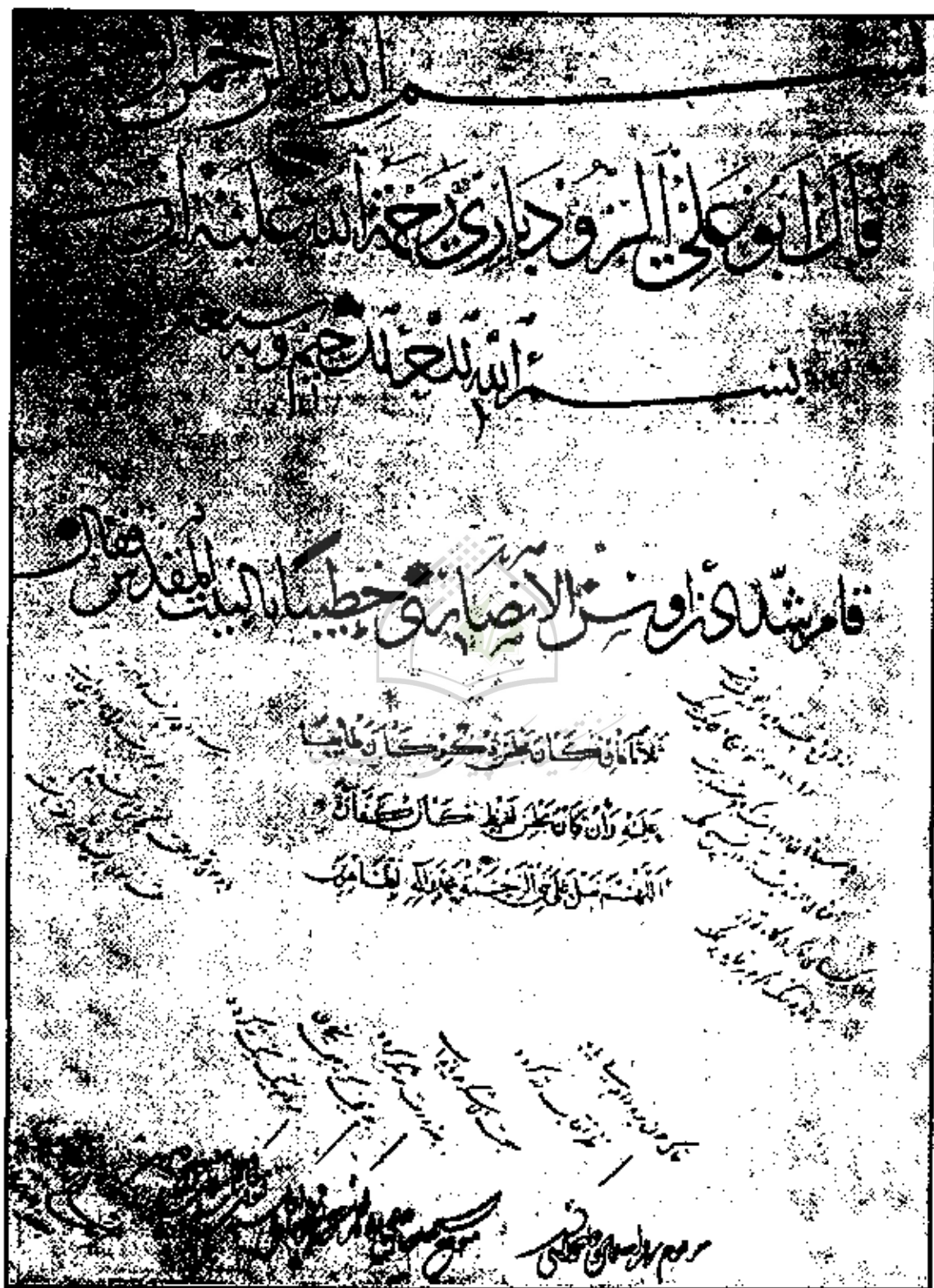
صفحه‌ای از قرآن که به خط کوفی ساده نوشته شده است

مقارن ابداع خط نسخ در بغداد و رواج آن در تمام بلاد اسلامی، حسن بن حسین بن علی فارسی کاتب از خط نسخ و رقاع و ثلث خط تعلیمی را پدید آورد وی در عهد عباسالدوله (۳۲۰ - ۳۳۸ هـ) و عهدالدوله دینمی (۳۳۸ - ۳۷۲ هـ) می‌زیست و بیشتر مراسلات و ابدان خط می‌نگاشت. کتاب و منشیا آن زمان از او پیروی کرده آن را بکار می‌بردند و میان اهل انشاء نوشتن مراسلات بدان خط معمول گشت و بعد از آن خط، ترسل نامند. کلمات در تحریر خط تعلیق به یکدیگر بستگی داشت و تغییر و تبدیل در آن امکان ناپذیر نبود و با آنکه برای

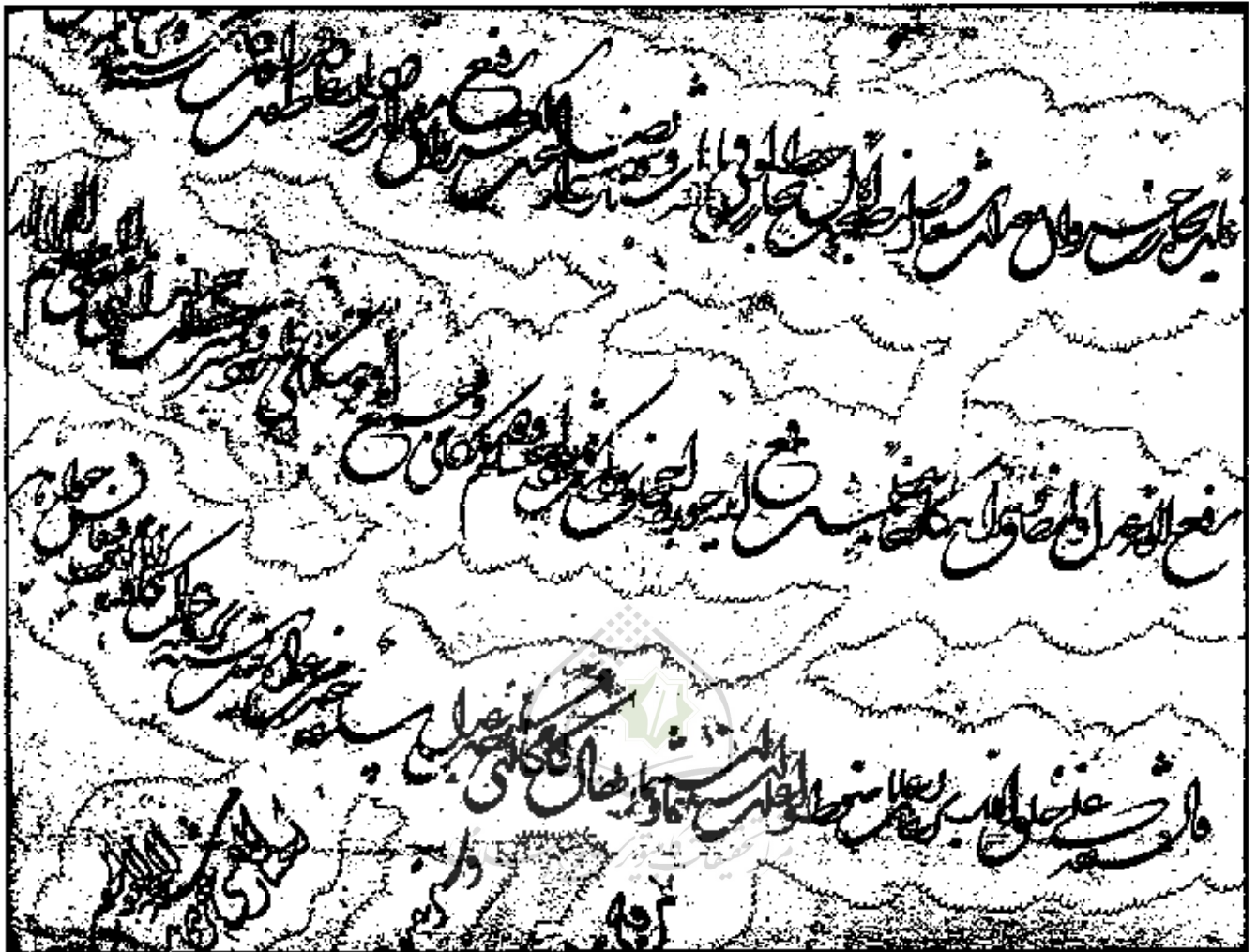
قصص، قلم خرماج (۱۰) که البته این نامها را نمی‌توان خطوط و سبکهای متمایزی پنداشت بلکه حد و مرز بعضی از آنها بسیار ناچیز است و گاه اسامی مشابهی برای شیوه‌های یکسانی می‌باشند در میان این خطوط قلم دیباج که از قلم معقلی گرفته شده بود برای نوشتن فرمان و منشورها بکار می‌رفت و بعدها طومار نام گرفت. در سال ۲۱۰ هـ ابن مقله ابوعلی محمد (۲۷۲ - ۳۱۸ هـ) وزیر ایرانی المعتمد بالله خلفه عباسی، خط نسخ را ابداع کرد و گویند آنرا



قطعه نوشته‌ای به خط دیوانی



قطعه ای از میرزا جعفر کبری ز کاتب دربار بایسنقر که به هفت شیوه نوشته شده است



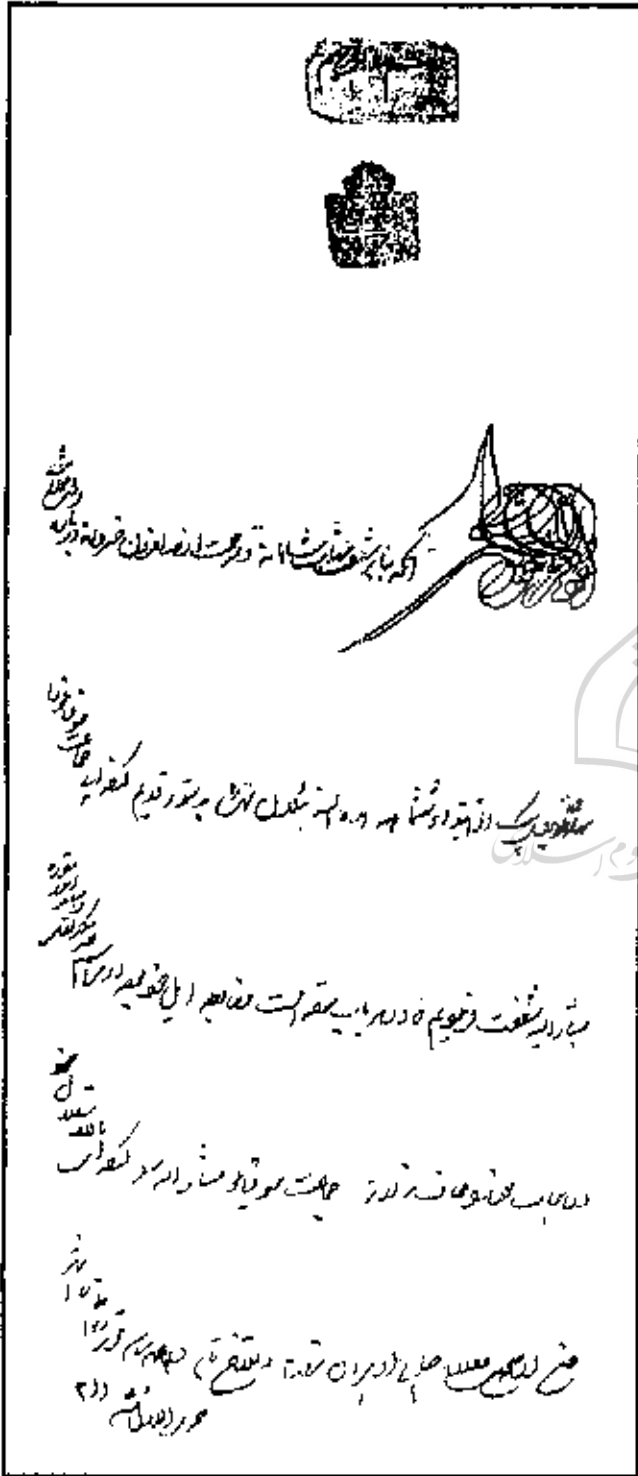
قطعه خطی اثر خواجه اختیار که به شیوه تعلیق نوشته شده است

«سیاقت» (سیاق) خط محاسبات دیوانی بود که در اسناد مالی و تاریخی بسیار از آن استفاده شده است. در این نوع خط اعداد را از زبان عربی گرفته و کلمات آنرا به شکل مخصوص و به طریقی که تحریرش آسانتر باشد درآوردند و علائم آنرا برای نقد و جنس بکار می بردند (۱۵). اما از خط طغرا بصورت امضاء روی اسناد و فرامین استفاده می شد و صورت یک خط مستقل را نداشت. خواجه عبدالحی منشی آنرا از خط تعلیق زینتی استخراج کرد و به مناسبت حرکات قوسی حروف، آنرا خط طغرا نامید از دوران مغول و بعد از آن امرا و حکام نام و القابشان را با این خط بر بالای فرمانها و منشورها می نوشتند.

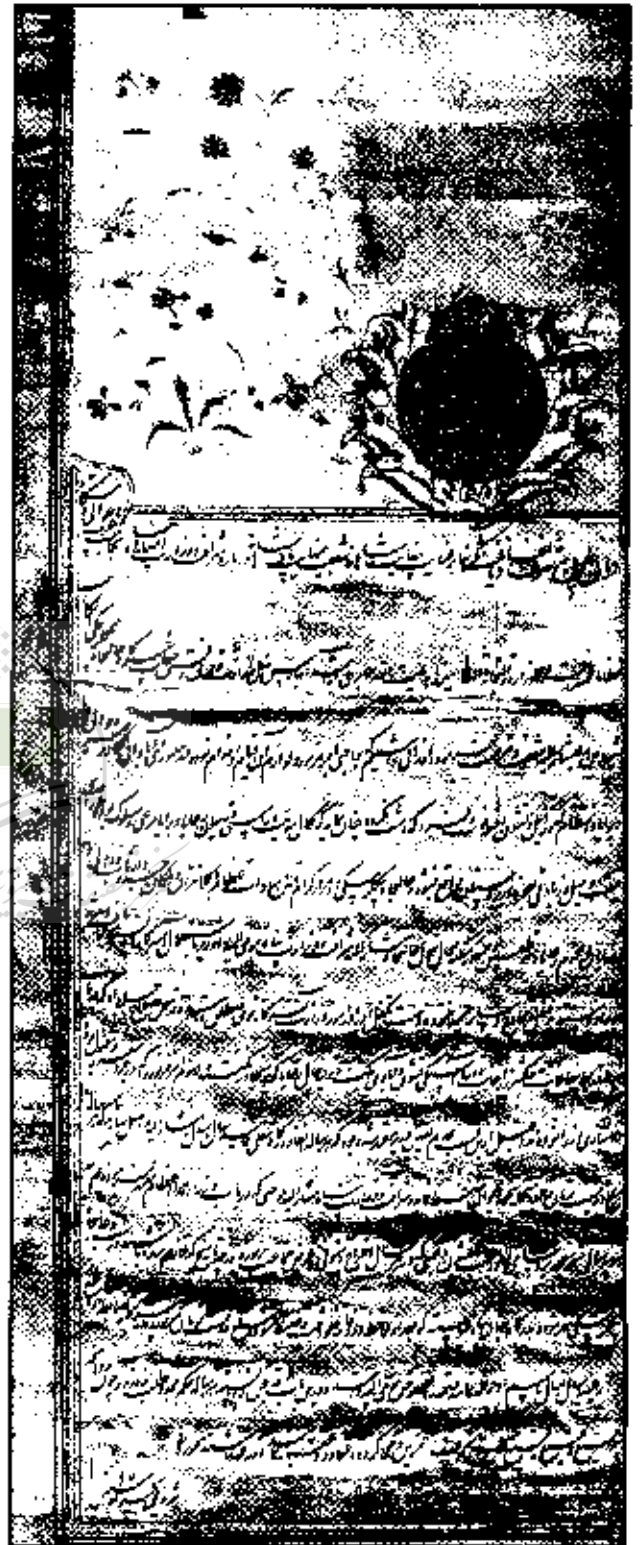
خواجه عبدالحی منشی، منشی و کاتب ابوسعید سلطان میرزا محمد بن میرانشاه (متوفی در سال ۸۷۲هـ) بود او توانست به خط تعلیق دیوانی یا تعلیق زینتی که خواجه تاج سلمانی اصفهانی از تلفیق

مراسلات و احکام و فرامین مناسب بود معذک چون خطی ایرانی بود در تزئین ظروف نقاشی بکار می رفت و درون و بیرون اکثر ظروف لعاس را بدان می آراستند (۱۲). در اواسط قرن هفتم این خط رو به تکامل گذاشت و کم کم خطی بوجود آمد که ترکیب از تویع و رقاع بود و بنا بر رسم عثمانیها و مصریها آنرا «تعلیق دیوانی» می نامیدند (۱۳). مولف کتاب «خط و خطاطان» درباره واضح این خط «تعلیق» می گوید (۱۴).

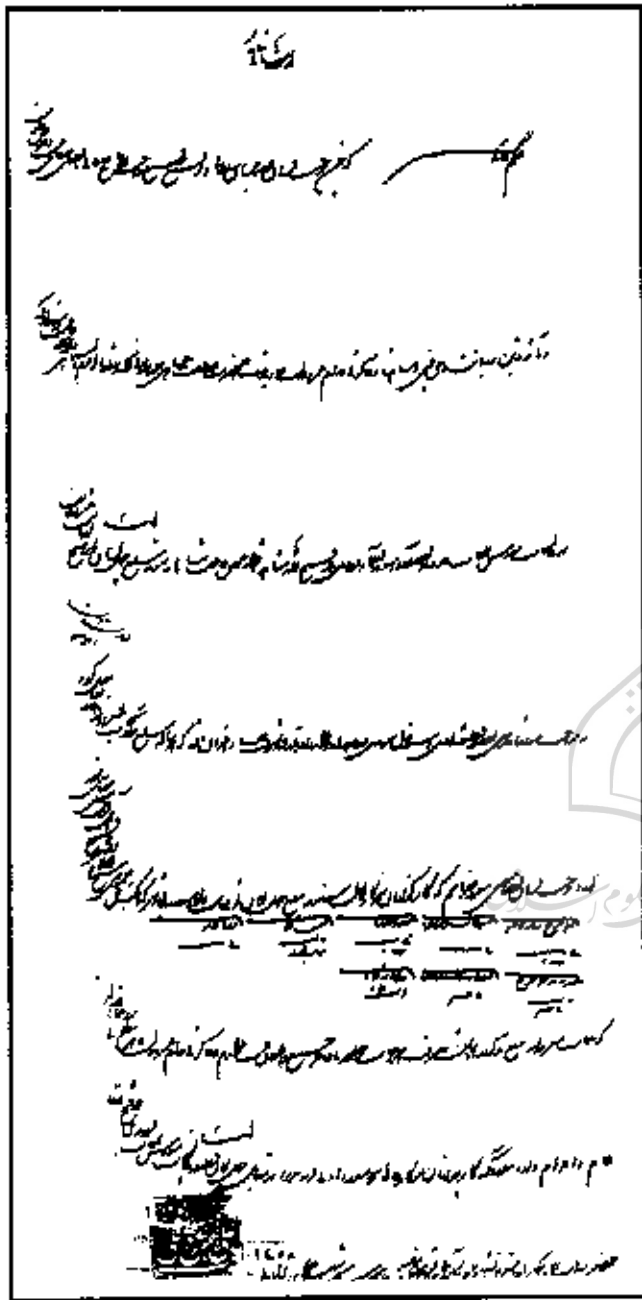
واضع خط تعلیق خواجه تاج الدین اصفهانی و مکمل آن خواجه عبدالحی منشی می باشد و احکام و فرمانها را با آن می نوشتند و نوشتن خط دیوانی و چپ و سیاقت و طغرایانبع آن مقرر گردید. خط دیوانی به علت آنکه دشوارخوان بود و برای کتابت امور دیوانی بکار می رفت به این نام شهرت یافت و خط «چپ نویسی» خط تعلیق زینتی بود که نوشتن آن مهارت و اسنادی می خواست. خط



فرمان نادر شاه افشار که به خط شکسته تحریر بی نوشته شده است



تصویر فرمان شاه سلیمان صفوی که به خط نستعلیق نوشته شده است



رفاع و توفیق بوجود آورده بود قاعده و اسلوبی بدهد تا بتواند فراگیر شود. این خط در اواخر قرن هشتم جای دیگر خطوط را در امر کتابت تحریر و تندنویسی و مکاتیب گرفت و مدت دو قرن منحصر برای کتابت احکام و فرامین بکار می رفت (۱۶). مولف کتاب خط و خطاطان، میرزا حبیب اصفهانی در جایی از کتاب خود به خط دوره مغول اشاره می کند:

«... در زمان چنگیزخان در ایران خط پهلوی رایج بود و الحال در تمام ایران خط مستعمل خطی است به سباق خط ایغوری از طرف طایفه مغول که مذهب اسلام قبول کردند معمول شد و در زمان سلطان ابوسعید تمام مسکوکات با خط ایغوری و عربی مخلوط بود، اما این پادشاه ایغوری را لغو و منسوخ کرد و در روی سکه ها خط و زبان عربی و در منشیر و فرمانها خط تعلیق و زبان فارسی را مقرر داشت (۱۷)... بدین ترتیب مشخص می شود که خط ایغوری را مغولان در فرمانها و منشورهای خود استفاده می نمودند و این خط از مضافات خط فارسی بود.

اگر به تکامل و تحول خطوط در قرن هشتم و نهم دقت شود بعد از خط تعلیق، نوبت به خط دیگر می رسد که آن را نسخ تعلیق یا نستعلیق نامیدند. این خط را به واسطه زیبایی ظاهر آن عروس خطوط اسلامی یا ایرانی می دانستند. واضح و منظم کننده این خط میرعلی تبریزی است و پسرش خواجه میر عبدالله آن را تکمیل نمود. این خط به علت زیبایی و تناسب ظاهری خود مورد توجه پادشاهان و حکام قرار گرفت و کاتبان از آن در نوشتن سلطانیات و دیوانهای اشعار و دیگر نسخ ادبی استفاده می کردند. خط نستعلیق با وجود این که دقیقترین و زیباترین خطوط است، در عین حال مشکلترین آنها نیز می باشد و از این جهت کمتر برای تحریر نامه ها و مکاتبات بکار می رفت. از ترکیب دو قلم خط توقع و خط رفاع و شکل خط تعلیق، خطی دیگر وضع می شود که چون پیوستگی حروف کلمات در آن مجاز بود، برای نوشتن مراسلات و مکاتبات که نیاز به سرعت قلم داشت، مناسب بود این خط همانا شکسته تعلیق بود و در قرن یازدهم جای تعلیق را گرفت تا در خدمت تندنویسی قرار گیرد. مولانا شفیعی اصفهانی با الهام از حرکات حروف در خطوط تعلیق تزیینی و طغرا برای این خط قواعدی را وضع کرد و آنرا جلوه و رونق بخشید. این خط برای کتابت مکاتبات و فرامین استفاده می شد.

درویش عبدالمجید طالقانی که ابتدا نستعلیق می نوشت خط شکسته را پسندید و آن را برگزید و با ابداع و ابتکاری که با پیروی از قواعد نستعلیق بر آن افزود آنرا به حد کمال رسانید و شکسته نستعلیق خواند و چون این روش متناسب با تندنویسی بود مورد توجه دیوانیان قرار گرفت و از آن در نوشتن کتاب و نامه های دیوانی و مراسلات استقبال کردند (۱۸). استاد فضائلی در این مورد چنین نظر می دهد:

«شکسته نستعلیق اول بطور خاص شکسته ای از نستعلیق بود بعد بدست همان مشایخ که تعلیق نویس بودند شکسته نستعلیق را به تعلیق آمیختند و صورتی بنام شکسته برداشتند و در این زمینه است که نادر تصرفات مشایخ می بینیم گاهی خط شکسته متمایل به تعلیق

نمونه فرمانی از دوره زند که به خط شکسته تحریر شده است

و گاهی متمایل به نستعلیق گردید و بستر هم بنامین و مخلوط نوشته شده است (۱۹) ... و در جای دیگر از کتابش آورده است:

از زمان پیدایش خط شکسته اوایل قرن یازدهم (در دوران صفویه) است و قبل از آن احکام و مراسلات و نامه ها به خط شکسته تعلیق بود که پس از پیدایش شکسته نستعلیق تدریجا از آن صرف نظر شد زیرا این خط ضحوت و اشکالات تعیین را نداشت و روشنتر و روانتر



نمونه خط شکسته نستعلیق میرزا احمد شاملو خوشنویس و کاتب نور قاجار

سال ۱۳۴۸، صفحات ۴۴۱ و ۶۴۲ و ۶۴۳
 نام. م. م. دناکونوف، تاریخ ایران باستان، ص ۳۴۸

بود، بدین سبب در تحریرنامه‌ها و احکام بجای آن نسبت و طرفداران بسیار پیدا کرد و بدین ترتیب تقریباً دو قرن و نیم از خودنمائی قلم نستعلیق گذشته بود که خط شکسته سبائی خود را نشان داد و گذشته از نامه‌ها و احکام به تدریج در کتاب نویسی و قطعات و مرقعات نیز کار گرفته شد (۲۰).

شیوه شکسته نویسی درویش عبدالعجید طائفانی بازار حط و خوشنویسان را تا اوایل قرن سیزدهم نیز اشغال کرده بود. در دستگاه دیوانی پادشاهان افشار و زند و قاجار خط شکسته تحریری خط رسمی منشیان و دبیران بود این نوع خط هر چند شکل ثابتی نداشت و هر از چندگاه به طرف نستعلیق و یا تعلیق شکسته تمایل پیدا می کرد ولی بواسطه سرعت در نگارش مورد قبول دیوانیان و کاتبین احکام بود. در قرن سیزدهم شیوه‌های متنوعی در شکسته نویسی بوجود آمد. شکسته نویسان در این سده به شیوه‌های مختلف می نگاشتند بعضی به شیوه «مستمدالدوله نشاط» و «میرزا رضی» و «میرزا مهدی ملک الکتاب» و برخی مانند «امیر نظام» اقتدا به شیعه و درویش می کردند و گروهی از منشیان و کاتب دیوان مانند میرزا علیخان امین الدوله صرزی خاص داشتند (۲۱). خط شکسته در این دوره بعزت پیچیده بودن و متعجب نویسی به سختی خوانده می شد ولی میرزا ابوالقاسم قائم مقام توانست شیوه خط خود را در مکاتبات اداری رایج کند. شیوه او ساده نویسی و به اصول نستعلیق نزدیکتر بود. بنابراین نظر استاد فضائی «... قائم مقام خط شکسته را که آن زمان همچون شرفارسی پیچیده و درهم بود با شیوه خود نمونه‌های اصلاحی داده که دیگران از وی بیروی کردند... گرچه مایه خط شکسته او به مرتبه استادان ماهر نیست لیکن از این نظر که گفته شد دارای اهمیت است که اصل خط شکسته را به نستعلیق نزدیکتر ساخته و اصول جدیدی آورده و خدمتی شایسته به خط نویسی امروز کرده است (۲۲).

از زمان ناصرالدین به بعد و در پی تحولات ایجاد شده از دو شیوه نستعلیق و شکسته نستعلیق (در شکل رسمی خود) در نوشتن فرمان‌ها و احکام استفاده می شود. غالب فرامین مربوط به اواخر دوره قاجار از نظر خوشنویسی دارای ارزش هنری می باشند.

پی نوشت‌ها:

- ۱- سید محمد تقی مصطفوی، معانی امانت داری خاک، مجله پرزدهای تاریخی، شماره ۶۷، سال یازدهم، اسفند ۱۳۵۵، ص ۹۹
- ۲- محمد تقی بهار، سبک شناسی، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۵۵، ص ۶۶-۷۰
- ۳- م. م. دیاکونوف، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ازایی، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶، ص ۱۷۷
- ۴- شجاع الدین شجاع، جهان ایران شناسی، جلد یکم، چاپ تهران، آری ۱۳۱۰



نمونه ای از خط شکسته نستعلیق مرسوم در اواخر سده ۱۳ هجری
نوشته میرزا غلامرضا اصفهانی خوشنویس باشی

۶. مالکوم کالج، تاریخ اجتماعی پارسیان، بخش دوم، ترجمه مسعود و حبیب‌نیا، انتشارات دنیای کتاب - چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۶۶-۶۵
۷. نقل از کتاب مفاتیح العلوم، ص ۱۱۸، جناب اروپا بواسطه رکن‌الدین همایونفرخ، مقاله مهرها و نشانه‌های استوانه‌ای ایران باستان، مجله بزمینهای تاریخی، سال پنجم، شماره ۱، فروردین، زمستان ۱۳۴۹، ص ۴۷
۸. محمدتقی بهار، اسک‌شناسی، ص ۷۷ و ۷۸
۹. آن مازی شمیل، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، نشر موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۴۱
۱۰. عبدالرفیع حقیقت، تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایران، شرکت مولفان و مترجمان ایران، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۷۵
۱۱. رکن‌الدین همایونفرخ، مقاله خط فارسی در مجله تلاش، شماره هشتم، بهمن ۱۳۴۶، ص ۴۶
۱۲. احمد سیبلی خوانساری، مقدمه کتاب گلستان هنر اثر قاضی احمدقمی، تهران، سپاه فرهنگ، ایران، ۱۳۵۲، ص ۱۳
۱۳. کتاب اطلس خط اثر حبیب‌الله فضائی، نشر کابردی، سنبل اصفهان، ۱۳۶۲، ص ۴۰۳
۱۴. ر. همایونفرخ، مقاله خط فارسی در مجله تلاش شماره هشتم، ص ۱۱ و کتاب اطلس خط فضائی، صفحات ۴۰۳ و ۴۰۵
۱۵. حبیب اصفهانی، «خط و خطاطان» به نقل از حبیب‌الله فضائی، اطلس خط، ص ۴۰۳
۱۶. علی رامجیری، تاریخ مختصر خط، سیر خوشنویسی در ایران، تهران، انتشارات عماد، ۱۳۴۵، ص ۹۲ و مایل هروی، کتاب آرابی در تمدن اسلامی، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۴
۱۷. رکن‌الدین همایونفرخ، مقاله خط فارسی در مجله تلاش، شماره هشتم، بهمن ۱۳۴۶، ص ۴۶
۱۸. همانجا، ص ۳۷
۱۹. رکن‌الدین همایونفرخ، مقاله خط فارسی از مجله تلاش، شماره هشتم، بهمن ۱۳۴۶، ص ۴۶
۲۰. حبیب‌الله فضائی، اطلس خط، ص ۶۰۷
۲۱. حبیب‌الله فضائی، اطلس خط، ص ۶۱۰
۲۲. احمد سیبلی خوانساری، مقدمه کتاب گلستان هنر اثر قاضی احمدقمی، ص ۲۱
۲۳. استاد حبیب‌الله فضائی، اطلس خط، ص ۶۲۹